

# تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

عزت و افتخار

۱۴

رحیم کارگر

زندگی رعایت کنند و خود را در برابر نام و نان و مقام، خوار نسازند. امام عارفان حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يَقْضِ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا، أَمَا تَسْمَعُ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۱</sup>؛ خدای عزوجل همه امور بنده مؤمن را به خودش تفویض کرده است، ولی به او اختیار نداده که ذلیل باشد. آیا نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: عزت برای خدا و پیغمبر او و مؤمنان است؟»<sup>۲</sup>

یکی از آموزه‌های جاودانه قیام حسینی، عزت نفس، سربلندی، آزادگی و رهایی از قید و بندهای دنیوی و مادی است.

نهضت ماندگار کربلا، اقدامی فراگیر و گسترده و شامل همه حوزه‌های سیاسی، دینی، اخلاقی و تبلیغی بوده است و محورهای اساسی آن، اعتلای کلمه توحید، حفظ حریم شریعت و پاسداشت عزت و افتخار آزادگان می‌باشد.

مبلغان دینی نیز با تأسی به این سیره پویا و مانا، باید عزت نفس و آزادگی را در همه شئون تبلیغی و

۱- منافقون/ ۸

۲- گزیده جامع السعادات، ص ۱۲۵.

عالم ربّانی شهید ثانی رحمته الله علیه دربارهٔ عالمان و روحانیان نوشته است:

«نباید بر هیچ کس و بر هیچ چیزی متکی باشند؛ بلکه باید زمام امور خود را در زندگانی و رزق و روزی و امثال آن به خداوند متعال واگذار کنند تا از این رهگذر، نفحات قدس الهی و الطاف پاکیزهٔ پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند، بر آنان تجلّی کند و مشکلاتشان حل شده و منظورشان تأمین گردد و امور زندگانی آنان به صلاح آید.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: خداوند متعال، عهده‌دار رزق و روزی طالب علم است و روزی او را از طریق ویژه‌ای تضمین می‌کند که سایر مردم مشمول این لطف خاص او نیستند»<sup>۱</sup>.

بر این اساس، عزتمندی را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد:

۱. عدم چشمداشت مادی به مردم و درخواست رزق و روزی از آنان؛
۲. توجه نکردن به عزتهای

مبلغان شریعت که ادامه دهندگان راه امامان معصوم علیهم السلام هستند، باید گفتار و کردار آنان، تداعی کننده رفتار عزت‌مندانه حسینی و گفتارهای افتخارآمیز مکتب جعفری باشد. «عالم دینی و مرد روحانی باید طبعی منیع داشته باشد و به پستی نگراید و همچو قله ساران بلند، سربلند باشد و بی‌نیاز. طلبه و عالم باید مقام روحی و متاع معنوی خود را در برابر آنچه در دست مردم دنیا دار است، پست نکند و چشم به دست مردم و دل نگران خوشیها و امور مادی مردم نباشد. سرفراز باشد و آزاده و در عین فروتنی و تواضع، طبعی بلند داشته باشد»<sup>۱</sup>.

تبلیغ و هدایت دیگران، امری افتخارآمیز و عزت‌بخش است و قصد و نیت مبلغان و عالمان وارسته در این کار، تقرب و نزدیکی به خدا است. آنان خواستار اجر و پاداش مادی در راه تبلیغ آیین الهی و ارشاد و هدایت مردمان نیستند؛ بلکه در مسائل مادی «عزت نفس» و «مناعت طبع» دارند و توکل و چشمداشتشان تنها به خداوند متعال است.

۱- بیدارگران اقالیم قبله، ص ۲۲۰.

۲- ترجمهٔ منیه المرید، ص ۱۶۵.

است. وظیفه کلیه طلاب، حفظ قداست این لباس با ارزش است. آقایان نباید نزد روحانی و غیر روحانی، سر خم کنند و برای مال دنیا شأن خود و روحانیت را زایل کنند. باید تا ممکن است، قناعت پیشه باشند....

باید توجه داشته باشیم که از نشانه‌های تکامل و عوامل رشد شخصیت ما، «مناعت طبع» است؛ یعنی، از هر کس پول قبول نکنیم و در هر جا که معرکه‌ای به پا است، وارد نشویم»<sup>۱</sup>

همچنین ایشان می‌فرمودند: «ملاک رشد و سلامت روحانی، در تحقق اهداف و آرمانهای حوزه است. هر گاه افرادی که به حوزه آمده‌اند، پس از مدتی تحصیل به مرحله تهذیب رسیدند و با دوری از مال دوستی و تجمل پرستی، متخلق به اخلاق ائمه اطهار علیهم‌السلام شدند، این دلیل تحقق اهداف حوزه است»<sup>۲</sup>

۱- آیت بصیرت (حاج آقا رضا بهاء الدینی)، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.  
۲- همان، ص ۷۵.

ظاهری (مقام و مال و شهرت)؛  
۳. حفظ حرمت تبلیغ و لباس روحانی در همه حال؛  
۴. توکل و چشمداشت از خدا و اولیای الهی؛  
۵. روی گردانی از درگاه اشراف، ثروتمندان و حاکمان؛

۶. توجه به سیره و گفتار امام معصوم علیه‌السلام - به خصوص امام حسین علیه‌السلام - و عالمان و عارفان؛  
۷. خوار نکردن خود نزد دیگران و توجه به کرامت و شخصیت خود.

عارف فرهیخته آیت الله بهاء الدینی رحمته‌الله وقتی از موهبت‌های الهی سخن می‌گفت، به عزت نفس و پرهیز از تعریفها و ثنای دیگران اشاره می‌کرد. گاهی که در خدمت ایشان سخن از قداست روحانیت و حفظ شئون روحانی به میان می‌آمد دیده می‌شد که تأملی از سر ژرف نگری کرده، پس از لحظاتی می‌فرمودند:

«قداست روحانی ارزان به دست نیامده تا ارزان از دست بدهیم؛ بلکه برای به دست آوردن آن، خونها ریخته شده و زجرهای فراوان کشیده شده

### چشم امید به خدا

مقصود و هدف اصلی از ارشاد و تبلیغ، هدایت و راهنمایی مردم به سوی نیکیها، فضیلتها، خیرها و معنویت است و عدم توجه به زینت و مقامات دنیوی، داشتن عزّت نفس و مناعت طبع، سربلندی و آزادگی در جامعه، روی گردانی از صاحبان زر و زور، طمع نداشتن در مال و منال دیگران و برتری دادن به معارف دینی از جمله این خوبیها می باشد. از این رو خود مبلّغان و عالمان دینی، باید بیشتر و پیش تر از همه به این آموزه ها پایبند باشند و تنها به وظیفه و تکلیف الهی خود بیندیشند.

عالم ربّانی سید جعفر کشفی رحمته الله علیه در مدح و ستایش گروهی از مبلّغان و اهل وعظ می فرماید:

«در وعظ و ارشاد مردمان، اصلاً طمع در کسی ندارند و اجری از کسی نمی خواهند و به مضمون **﴿قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا﴾** که شیوه و طریقه پیغمبران بوده است، واقف و برقرار می باشند و بر طریقه اخلاص و رضاجویی خداوند در امر خلافت خود

مشغول اند و به فرموده **﴿إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ﴾** که پیغمبران می فرمودند، طمع و امید ایشان در امر وعظ و نصیحت، در رحمت خداوند و به اجر و ثواب او می باشد و در مرتبه خلافت خدای و وراثت انبیا و ائمه، ثابت و مستقیم اند.»<sup>۱</sup>

### عزّت و افتخار حسینی

قیام الهی حضرت ابا عبدالله علیه السلام، قیامی عزّتمندانه و افتخارآمیز برای احیای آموزه های دینی و جلوگیری از انحراف و تباهی بود. آن حضرت در طول قیام، کاری نکردند که نشان دهنده ضعف، ذلّت، خواری و سستی باشد؛ بلکه در تمامی حالات و رفتارها، از موضع عزّت و افتخار بر خورد کردند و با سربلندی و آزادگی شهد شیرین شهادت را نوشیدند. از این رو بایسته است که مبلّغان و واعظان به این امر مهم توجه کرده و از بیان مطالب و گفتارهایی که به نوعی نشانگر ضعف و خواری آن حضرت است، به شدّت پرهیز کنند. عالم فرزانه محدّث

۱- میزان الملوك و الطوائف، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

یاران عاشق خود نیز، فریبکاری و ظاهرسازی نکرده، در صدد مخفی کردن حقایق برنیامدند.

یکی از موارد قابل توجه، سخنرانی شب عاشورای آن حضرت در جمع یاران پاکدل و مجاهدان راه امامت است. ابا عبدالله علیه السلام در آن شب ظلمانی و پر وحشت، ضمن شکرگزاری به درگاه الهی و بیان سختیهای روز بعد، هم اجازه رخصت دادند و هم تشویق و ترغیب به جانبازی در راه خدا نمودند. شهید مطهری رحمته الله علیه در این زمینه می نویسد: «از مظاهر درخشنده حادثه کربلا و از تجلیات بزرگ الهی آن، موضوع جمع کردن حسین بن علی علیه السلام در شب عاشورا، اصحاب خود را و سخنرانی برای آنها به آن شکل است. باید در نظر داشت که این سخنرانی در شب عاشورا است؛ هنگامی است که عوامل محیط از هر جهت نامساعد و ناامید کننده است. در چنین شرایطی، هر سردار و رهبری که تنها مادی فکر کند،

قمی علیه السلام درباره وظایف مبلغ می نویسد: «مطلبی را که ذلت امام حسین علیه السلام و اهل بیت گران مقامش را برساند، نگوید؛ زیرا آن جناب آقا و بزرگ سرفرازان و غیرت مداران بود.

آن حضرت جان دادن زیر شمشیر را بر خواری و ذلت برگزید و با ندای بلند، روز عاشورا فریاد کرد: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ: بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ يَا أَيُّهَا اللَّهُ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ ناپاک و پسر ناپاک، مرا بر سر دو راهی نگه داشته است. مرگ یا ذلت! هرگز من تن به ذلت نمی دهم. هیهات که زبونی را قبول کنم. نه خدا به ذلت من راضی است و نه رسول خدا و نه مردان با ایمان.»<sup>۱</sup>

یکی از مسائل مهم در واقعه جانگداز کربلا، سیره تبلیغی عزتمندانه آن حضرت است که هم در مواجهه با دشمن و هم در حین گفتگو و سخنرانی با اصحاب با وفایش، از موضع عزت و افتخار برخوردار کردند. آن حضرت در مقابل سپاه کینه و عداوت، دم فرو نیستند و اظهار عجز و ذلت و تسلیم ننمودند؛ چنانکه در برابر

۱- مجله حوزه، شماره ۴۷، ص ۹۴.

است، و تجلّی و ظهور این عزّت، نه در مقام و مال و جاه؛ بلکه در کمال و شخصیت آدمی و عمل به وظیفه و تکلیف و غلبه کردن بر منیّتهاست.

عارف ربّانی، مرحوم بهاری همدانی رحمته الله علیه در این زمینه به مبلّغان توصیه می‌کند:

«طمع هر چیز را - لاسیما راحت نفس خود را - از سر بیرون کرده باشی؛ غرضی نداشته باشی از حرکت خود (تبلیغ)، به جز اصلاح عباد و خیرخواهی مسلمین و تحمّل جفای مخلوق و الا اگر مقصود جاه و مال و عزّت [دنیوی] باشد، مقصود نمی‌رسد و به مقصد هم نخواهد رسید.»<sup>۲</sup>

پس باید مواظب بود و در دام امور فریبا و ظاهری گرفتار نیامد و از موقعیت پیش آمده، برای اعتلای کلمه اسلام بهره جست.

عالم ربّانی آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمته الله علیه می‌فرمود:

«اهل علم در هر زمانی، در معرض اغفال و فریب قرار دارند؛

جز لب به شکایت [باز] کردن کاری ندارد. منطقش این است که افسوس، بخت با ما مساعد نشد... آنچه که شرایط را برای او (امام حسین علیه السلام) سخت تر می‌کند، اینست که زنان و فرزندان و خواهرانش تا ۲۴ ساعت دیگر، اسیر دست دشمن می‌شوند. برای یک مرد غیور و فداکار این خیلی ناگوارتر است.

در یک همچو شرایطی دیگران چه کرده‌اند؟... حسین بن علی علیه السلام وقتی که شروع کرد به سخنرانی گفت: «أُثْنِي عَلَى اللَّهِ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ وَأَحْمَدُهُ عَلَى السَّرِّ وَالصَّرِّ...» با این همه شرایط نامساعد مادی، دم از رضا و سازگاری با عوام می‌زند! چرا؟ چون در شرایط معنوی مساعدی زیست می‌کند. او اعتقاداً و عملاً موحد و خداپرست است و به علاوه او به نتیجه نهایی کار خود، آگاه است... هدفش اعلاّی کلمه حق بود و از این نظر، کار خود را بسیار سودمند و مؤثر می‌دید.»<sup>۱</sup>

### عزّت و افتخار واقعی

«عزّت و افتخار» مخصوص خدا و مؤمنان و تلاش کنندگان در راه او

۱- حماسه حسینی، ج ۳، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۱۸.

دوستی مقام و عزت [ظاهری] امامت، به آن راغب است یا به خاطر امر خدا و خشنودی [او]؟ اگر دید در صورتی که مأمومین او یا کسانی که از امامت او اطلاع دارند، کم می‌باشند؛ میل او هم به امامت کمتر است، یا ببیند رغبت او به امامت اعیان و اشراف و پادشاهان، بیش از رغبت او به امامت دیگران است، باید بداند قصدش برای جاه و مقام است یا مخلوط با آن...»<sup>۱</sup>

### روی گردانی از صاحبان مال و

#### مقام

یکی از نشانه‌های عزتمندی و سربلندی مبلغان شریعت، توجه نکردن به مال و جاه و مقام توانگران و حاکمان و روی گردانی از صاحبان ثروت، قدرت و شهرت است. در غیر این صورت، نهایت خواری و پستی متوجه آنان شده و از شخصیت و کرامت واقعی دور خواهند شد.

حکیم والامقام صدر المتألهین علیه السلام

در انتقاد از چنین افرادی می‌نویسد:

«این گروه (عالمان بی عمل و

منتها زمانها فرق می‌کنند. در عصر و زمان ما، توبیخ و ملامت در کار بود؛ می‌گفتند: شغل قحط است که انسان آخوند بشود و از همه چیز محروم گردد و بدین وسیله روحیه را سُست می‌کردند و امیدها را مبدل به یأس و ناامیدی می‌نمودند؛ ولی ما از ملامت و سرزنش آنان اغفال نشدیم و بانان و پیر آقا امام علیهم السلام ساختیم؛ وفان نشان دادیم و صفا دیدیم.

اما عصر و زمان شما، عصر دانه و دام است؛ هم حقوق و پول را مطرح می‌کنند و هم مقام و پست وعده می‌دهند تا شما را فریب دهند! مراقب باشید، نسبت به امام زمان علیه السلام بی‌وفایی نکنید. استقامت کنید؛ وفادار باشید تا به مقصد برسید.»<sup>۲</sup>

پس باید از ابتدا نیت و قصد خود را اصلاح کرد و دوستی مقام و عزت ظاهری را از دل بیرون آورد؛ چنانکه عارف کامل مرحوم آیت الله سلکی تبریزی علیه السلام درباره امامان جماعت و آزمایش نیت و قصد آنان می‌نویسد:

«خود و میل خود را به امامت

ملاحظه کرده و بنگرد که: آیا به خاطر

۱- بر قلّه پارسایی، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۲- المراقبات، ص ۲۸۳.

ناسکان بی معنی)، از یاد خدا غافلانند؛ کجا اهل دلانند! اگر ذره‌ای از نور معرفت در دل ایشان تابیده بودی، کجا در خانه ظلمه و اهل دنیا را قبله خود می‌ساختند و همیشه با نفس و هوا، نرد محبت می‌باختند...

همچنین است حال آنها که خود را از علما می‌شمارند و روی از جانب قدس و طلب یقین گردانیده، متوجه محراب ابواب سلاطین شده‌اند و ترک اخلاص و توکل کرده، طلب روزی و توقع آن از دیگران می‌نمایند.<sup>۱</sup>

عارفان و عالمان وارسته، همواره از رفت و آمد و ارتباط با صاحبان ثروت و قدرت پرهیز می‌کردند و به خطرات و کاستیهای آن دانا بودند. آنان عزت، آزادگی و سعادت خود را در دوری از توانگران و حاکمان می‌دانستند و از این ننگ و رسوایی فرار می‌کردند.

آیت حق سید بن طاووس درباره حالات خود می‌نویسد:

«از جمله گرفتاریهای من در مخالفت با مردم، این بود که پادشاهان مرا شناختند و به من مهر ورزیدند؛

چندان که نزدیک بود، سعادت این جهانی و آن جهانی من بر باد رود و میان من و مالک من و صاحب نعمتهای نهانی و آشکار، حجاب گردند. آن گاه مرا می‌دیدى جامه ننگ و رسوایی در بر، در پی جاه و مقام این سرای فریب بر آمده‌ام و تو را به سوی هلاک و تباهی و عذاب دوزخ می‌کشانم.

چیزی که مرا از خطر اقبال پادشاهان جهان و محبت آنان، رهایی بخشید و از زهرهای کشنده تقرب به آنان سلامت داشت، همانا خدای جلّ جلاله بود. پس من آزاد شده این مالک رحیم شفیق هستم و سبب آن بود که از آغاز زندگانی، در دامان جدّم (ورّام) و پدرم - قدس الله ارواحهم و کمل فلاحهم - بودم که داعیان به سوی خدا بودند... یکی از مشایخ استاد من، از من خواست که به تدریس و تعلیم مردم پردازم و در مراجعات آنان فتوا دهم و راه علمای پیشین را ببیمایم... پس آن گاه به این نکته توجه کردم و از مبادرت کردن به فتوا، احساس کراهت نمودم و ترسیدم

۱- رساله سه اصل، ص ۴۶.



و پرهیز کردم که مبادا در کار فتوا قولی بر خلاف گویم و در پی ریاست افتم که منظور از آن تقرب به حق تعالی نباشد. پس از آن امر هولناک کناره گرفتم...<sup>۱</sup>»

عارف ریسانی مرحوم بهاری همدانی نیز از این امر به شدت نهی کرده، می‌فرماید: «اما آنچه که در زمان ما شایع گشته که نسبت به توانگران و مالداران اهل دنیا، فروتنی و خضوعی زیاد صورت می‌گیرد و نام آن را تواضع می‌نهند؛ این امر اشتباه و مکر، فریب، نیرنگ، چاپلوسی و خواری مورد نکوهش است و این از جهت تفریط و کوتاهی نمودن در فضیلت تواضع شیوع یافته است. خداوندا! ما را از این امر حفظ فرما!»<sup>۲</sup>

البته ارتباط با صاحبان قدرت و ثروت در جهت اعتلای دین و احقاق حق - بارعایت تمام جوانب احتیاط - اشکالی ندارد.

عارف الهی بهاری همدانی رحمته الله علیه گریزان بسودن از امرا و حکام، مخصوصاً پادشاهان را مورد عنایت قرار داده و سپس می‌فرماید:

«بلی اگر بیته و بین ربّه من دون

اشتباه این خلطه را انداخته باشد با آنها (یعنی بین خود و خدای خود بدون ایجاد شبهه، این ارتباط را با آنان ایجاد کرده باشد)؛ برای اقامه نظام نوع و اعلائی کلمه شرع مبین و قلع و قمع مبدعین (بدعت گذاران) و امر به معروف و نهی از منکر؛ همچنان که بعضی از اصحاب ائمه هدی علیهم السلام بوده‌اند، این بهترین اعمال است.»<sup>۳</sup>

#### رفتارهای غیر عزتمندانه

در گذشته از سوی افرادی به ظاهر روضه خوان و واعظ، رفتارها و گفتارهای نادرست و ذلیلانه‌ای صادر می‌شد که کاملاً از شئون و زئی تبلیغ و ارشاد دور بود و کراهت خاطر و ناراحتی بزرگان اهل علم و تبلیغ را فراهم می‌آورد. مشکل یاد شده، در زمان حاضر کمتر دیده می‌شود و ساحت مبلغان وارسته از این امور به دور است.

سید جعفر کشفی رحمته الله علیه در انتقاد از برخی از اهل منبر و وعظ می‌نویسد:

۱- برنامه سلوک، ص ۲۰۰.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۳۱.

۳- همان، ص ۹۵.

«اینان با علمای حقّانی - که به افعال و گفتار آنها رضا نمی‌شوند و تبعیت نمی‌کنند - عداوت می‌ورزند و افترا می‌بندند و سر منبر گدایبها می‌کنند به بهانه‌های مختلفه و متصنّعه و توزیع بر مردمان می‌کنند و چراغ اوّل و دوم قرار می‌دهند و هر چراغی را به اسم یکی از ائمه علیهم‌السلام نامزد می‌کنند و از ظالمان و دیگران، مال می‌گیرند و شاید از درویشی که شام شب را ندارد، به اکراه و به حکم می‌ستانند و شاید که بر اکثر آنها خمس و زکات واجب می‌باشد و علاوه بر ترک دادن آنها، خمس و زکات را از مردمان می‌گیرند و حرام می‌خورند و می‌پوشند و گاه باشد که تعصّبها کشند و فتنه‌ها انگیزند و عوام را بر فتنه و تعصّب اغوا کنند به اسم دینداری و جهاد و تقویت دین؛ اینها عالم و واعظ به زبان و جاهل و ناعظ در دل و آتش افروز در جهنّم می‌باشند.<sup>۱</sup>»

یکی از مواردی که احتمال خواری و منت در آن می‌رود، گرفتن هدیه و مال از دیگران است که باید با احتیاط کامل همراه باشد.

عارف ربّانی مرحوم بهاری

همدانی در این زمینه می‌نویسد:  
«همانا آنچه از مال و دارایی که دیگری به او (مبلّغ و طلبه) می‌دهد، اگر بداند که حرام است، واجب است که از آن خودداری کند و اگر که مالی شبیه ناک یا حلال است و در ازای آن، منتی بر او نهاده می‌شود؛ ترجیح به این است که آن را برگرداند و اگر بدانند که هدیه‌ای حلال است و منتی در آن نیست، مستحب است که آن را بپذیرد؛ به خاطر تأسی نمودن به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام که هدیه را ردّ نمی‌کردند.

و اگر آن مال از صدقات باشد و او نیز استحقاق آن را داشته باشد، پس اگر بداند که صاحب مال، آن را به خاطر ریا و خودنمایی عطا می‌کند، می‌توان گفت که گرفتن آن جایز نیست.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از موارد خواری که رفتاری نادرست می‌باشد، تواضع و فروتنی بی مورد است.

علامه ملا مهدی نراقی می‌نویسد:  
«برای مؤمن جایز نیست که خود را ذلیل و پست کند؛ مثلاً اگر

۱- میزان الملوک و الطوائف، ص ۱۷.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۴۲.

متوجه گشتم یازده هزار و پانصد تومان کم است و من در بازار افراد ثروتمند آشنا نداشتم و بنا هم نداشتم از کسی تقاضا کنم. در اتاق تنها نشسته بودم، عرض کردم: خدایا! خودت می دانی که بنا ندارم به سوی غیر تو دست دراز کنم و حال هم امید و اطمینانم به تو است. لحظاتی بیش نگذشت که درب منزل را زدند. یک نفر برای حساب وجوهاتش آمد و بیست هزار تومان مدیون شد. دست در جیبش کرد و مقداری پول بیرون آورد و گفت: آقا معذرت می خواهم، بیش از این میسر نشد. وجه را شمردم، یازده هزار و پانصد تومان بود.

ایشان می فرمودند: بدانید که اگر برای خدا گام بردارید، خداوند درهای رزق و مرحمتش را به روی شما می گشاید.<sup>۲</sup>

۲- در احوال فیلسوف بزرگ، حاج ملا هادی سبزواری نوشته اند: از کثرت شهامتی که داشت، از هیچ کس چیزی نمی خواست. تحف و هدایا را

کفشدوزی بر عالمی وارد شود و آن عالم از جای خود برخیزد و او را در مکان خود بنشانند و درس و تعلیم را (برای او) ترک کند و چون برخیزد تا در خانه دنبال او بدود؛ خود را ذلیل و خوار کرده است و این کار ناپسند است. بنابراین حد وسط این است که برای امثال خود و کسانی که مرتبه ایشان نزدیک به او است، تواضع کند. سزاوار است که متکبران را تواضع نکنند؛ زیرا انکسار و فروتنی و تذلل برای کسی که متکبر است، علاوه بر این که تن به پستی و ذلت دادن است، موجب گمراهی و زیادی تکبر خود او می شود.<sup>۱</sup>

### داستانهای عزت و افتخار

۱- عالم پرهیزگار شهید دستغیب رحمته الله علیه در یکی از درسهای اخلاقش در روزهای پنجشنبه، هنگامی که درباره قناعت و عزت نفس سخن می گفت: برای تأیید فرموده اش داستان زیر را نقل کرد:

روز اول ماه که خواستم شهریه (طلاب) را بپردازم و تقریباً مبلغ هنگفتی می شد، پولها را شمردم،

۱- گزیده جامع السعادات، ص ۱۶۸.

۲- یادواره شهید آیت الله دستغیب، ص ۲۲.

نیز اصلاً قبول نمی‌کرد. در همه عمر، با کمال زهد و تقوا، صدق و صفا، بی‌آلایشی و نهایت «عزت نفس» گذرانید. به هیچ کس از اکابر و اغنیا اعتنایی نداشت. ناصر الدین شاه در سبزواری به خانه‌اش رفت و روی حصیری که فرش اتاق تدریس بود، نشست و تألیف کتابی را در اصول دین به زبان پارسی درخواست نمود. پس از رفتن، پانصد تومان به خدمتش فرستاد، ولی آن مرد منیع الطبع نپذیرفت و نصف آن را به طلاب و نصف دیگر را به فقرا حواله داد و دستور فرمود که به سادات، دو برابر دیگران بدهند.<sup>۱</sup>

۳- آیت الله العظمی بروجردی رحمته معتقد بود که روحانی باید عزیز باشد و تن به ذلت ندهد و در برابر ارباب زر و زور سر تعظیم فرود نیاورد. اگر کسی خدمت ایشان می‌رسید و سهم امام هنگفتی هم می‌آورد؛ ولی شائبه تحقیر در آن بود، آن پول را نمی‌پذیرفت. حتی رجال و شخصیت‌های مملکتی معتقد بودند که وقتی به حضور مرجع اسلام می‌آیند، باید کمال ادب را داشته

باشند. هنگامی که یکی از رجال معروف آن زمان به خدمت ایشان آمده و روی سکویی که کمی از سطح مجلس بلندتر بود، نشست؛ آیت الله العظمی بروجردی رحمته با ناراحتی فرمودند: بنشین پایین.<sup>۲</sup>

۴- یکی از تاجران ایرانی، مبلغی سنگین - به عنوان وجوه شرعی - در نجف، خدمت حضرت امام خمینی رحمته آورده بود. ضمن تقدیم وجه، گویی در اثر بدآموزی دیگران و ضعف ایمان، از موضع کسی که از پول هنگفتی دل‌کنده و امتیاز آن را به دیگری اعطا کرده، درخواست کرده که حضرت امام رحمته، به اصطلاح تخفیفی به ایشان بدهند و مثلاً خمس اتومبیلش را - که خمس به آن تعلق گرفته بود - از او نگیرند! حضرت امام رحمته کل وجه را جلوی او گذاشته، فرمودند: «بردار و برو؛ شما گمان می‌کنید حالا که این پول را اینجا آورده‌اید، منتی بر ما دارید؟ نخیر این ما هستیم که بر شما منت داریم؛ چرا که با پرداخت آن و قبول ما، شما بریء الذمه می‌شوید و تازه

۱- ریحانة الادب، ج ۲، ص ۴۲۳ و سیمای فرزنانگان، ص ۴۰۳.

۲- مردان علم در میدان عمل، ج ۲، ص ۴۱۸.

هزار دینار نزد وی فرستاد که وجه را برداشته و نزد او به هند برود. آذری از پذیرفتن وجه خودداری نمود و این ابیات را سرود و برای سلطان فرستاد:

موسی صفت معاند گاو طبیعتم

چون سامری نه در پی گوساله زرم

خورشید اگر به نور نهد منتی مرا

هرگز به مهر جانب خورشید ننگرم

بر آفتاب سایه نیندازم از زمین

بار غرامت ار بکشد چرخ اخضرم

دنیا چو صفر و معنی او هیچ گفته‌اند

پس بهر هیچ این همه منت چرا برم<sup>۲</sup>

۶- حکیم میرزا ابوالحسن جلوه

زواره‌ای، با وجود اعتبار اجتماعی و

نفوذ سیاسی، هرگز از دولت و وزرای

مملکت اضافه مرسوم و مقرری قبول

نمی‌نمود و به احدی برای تأمین معاش

زحمت نمی‌داد و در نهایت سهولت

گذران زندگی می‌کرد. از این لحاظ دنیا

را خطاب نموده، می‌گوید:

از دولت قناعت خوش زیستم به عز

ای وای اگر نبودی این گون هنر مرا<sup>۳</sup>

یکی از نشانه‌های

عزت‌مندی و سربلندی

مبلفغان شریعت، توجه

نکردن به مال و جاه و مقام

توانگران و حاکمان و روی

گردانی از صاحبان ثروت،

قدرت و شهرت است. در

غیر این صورت، نهایت

خواری و پستی متوجه آنان

شده و از شخصیت و

کرامت واقعی دور خواهند

شد.

اول مسئولیت ما است...<sup>۱</sup>

۵- نور الدین آذری توسی از

عارفان عهد خویش بود و مدت چهل

سال بر سجاده طاعت به فقر و قناعت و

عزت گذرانید. روزی سلطان احمد -

پادشاه هندوستان - قاصدی با پنجاه

۱- در سایه آفتاب، ص ۷۸.

۲- ناصح صالح، ص ۳۳۲ و ۳۳۳.

۳- همان.